

روز هفدهم: جمعه هفته سوم

و چون وقت رسید، با دوازده رسول بنشست. و به ایشان گفت: «اشتیاق بی نهایت داشتیم که پیش از زحمت دیدنم، این فصیح را با شما بخورم. زیرا به شما می گویم از این دیگر نمی خورم تا وقتی که در ملکوت خدا تمام شود.» لوقا ۲۲: ۱۴-۱۶

عیسی مسیح - همان خدای مجسم شده در بدن انسان - اشتیاق داشت که فصیح را با رسولان بخورد. این به نظر کمی عجیب می رسد چراکه او، همراه با خدای پدر و روح القدس از ازل و پیش از آغاز زمان در اتحادی بدون نقص و در هماهنگی کامل با یکدیگر قرار داشتند. آنها برای شاد بودن نه مایل به چیزی بودند و نه نیاز به چیزی داشتند بلکه از با هم بودن لذت می بردند و در محبت کامل زندگی می کردند. حال با آنکه عیسی هنوز در رابطه با دیگر اعضای تثلیث است، از مشارکت کردن با گناهکاران لذت می برد. انسانی که ناقص است به هیچ وجه قادر نیست خداوند را آنچنان محبت کند که خدا او را محبت می کند. اگر عیسی فقط انسان بود (الوهیت نداشت) با شرایطی که قرار بود برایش اتفاق بیفتد به هیچ وجه نمی توانست مشتاق به خوردن چیزی باشد. شاید به جای این کار، به خاطر بخت بدش با ناراحتی شیون سر می داد و یا خدا را زیر سوال می برد ولی عیسی اشتیاق داشت که با پیروانش بنشیند و چیزی بخورد. فعل "اشتیاق داشتم" از نظر دستوری به معنای داشتن اشتیاق از زمانی در گذشته است. او برای چه مدتی اشتیاق داشته تا این شام را با آنها بخورد؟ فرضیه‌ی ما درباره‌ی مدت آن می تواند خارج از محدوده‌ی زمان باشد؛ خداوند پیش از آغاز زمان این علاقه را "داشت" چون نقشه‌ی نجات، پیش از بنیاد عالم طرح ریزی شده بود (افسیسیان ۱: ۴-۵؛ مکاشفه ۱۳: ۸). عیسی داشت به آنها نشان می داد که محبتش به آنها برای وارد کردنشان به مشارکت با خداوند تا چه حد عظیم بوده است.

"اشتیاق بی نهایت" ترجمه خوبی برای این قسمت است. کلمات استفاده شده در یونانی برای اینجا، شدت احساسات موجود در کلمات عبری را توصیف می کنند. در واقع دانشمندان معتقدند که لوقا دقیقاً کلمات استفاده شده توسط عیسی را نگاشته است چون این روش نگارش، روشی است که در نوشته‌های عبری آن دوران برای افزودن تأکید مضاعف به موضوع مورد بحث استفاده می شد. ترجمه کلمه به کلمه عبارت استفاده شده در اینجا چیزی شبیه به این خواهد بود: "با اشتیاق مشتاق بودم". ما در فارسی به این شکل صحبت نمی کنیم و به همین دلیل ترجمه دقیق آن مشکل است. عیسی اشتیاق بی پایانی داشت که آن روز فرا برسد. تفکر به اینکه شام آخر برای پادشاهی همچون عیسی مسیح می تواند آنقدر پر معنا باشد بسیار فوق العاده است.

او اشتیاق داشت که با مردم چیزی بخورد. خوردن چیزی با دیگران می تواند به معنای صمیمت، به اشتراک گذاشتن چیزی شخصی، گذراندن زمان با دوستان و اقوام در کنار آتش، تعریف کردن خاطرات، خنده، شادی و گفتگوهای هدفمند و عمیق باشد. عیسی با علم به اینکه چه چیزی در پیش است مشتاق بود که با دوستانش وقت بگذراند و پیش از آنکه ترکشان کند آنها را تعلیم داده و تشویق کند. این لحظات آخر برای او بسیار مهم بود؛ عیسی به آنها خدمت کرد، برایشان دعا کرد و تعلیمشان داد و آخرین لحظات زندگی را با آنها به اشتراک گذاشت. محبت خداوند سرشار و غنی است؛ آنچنان غنی که برای محبت کردن به ما، نیازی نیست آنچنانکه او ما را دوست دارد، دوستش داشته باشیم! او محبتش را بیشتر و بیشتر می دهد چون خودش محبت است (اول یوحنا ۴: ۸). محبت و از خودگذشتگی او فراتر از فهم و درک بشری است.

متن های پیشنهادی برای مطالعه:

اول یوحنا ۴: ۷-۱۲

پرسشها برای اندیشیدن:

آیا خداوند را به خاطر کاری که برایم انجام داده است دوست دارم یا برای چیزی که فکر می کنم می توانم از او دریافت کنم؟

آیا مشتاق این هستم که زمانم را با او صرف کنم یا آن را عملی عذاب آور می بینم؟

دعا:

ای خداوند! به خاطر اینکه دوستان داری از تو سپاسگزاریم. به خاطر اینکه مشتاق هستی تا زمانت را با ما صرف کنی متشکریم. به خاطر نشان دادن محبت عظیم بر روی صلیب به ما، از تو ممنونیم. کمک کن تا تو را هر روز بیشتر محبت کنم؛ نه به خاطر چیزی که ممکن است اکنون از تو بخواهم بلکه به خاطر کاری که برایم انجام دادی. کمک کن تا اشتیاقم نسبت به تو عمیق تر شود و محبت عظیم که خارج از فهم است را درک کنم. آمین!